

چگونگی شکل‌گیری روابط فرا زناشویی زوجین

نسترن زمردیان* ، حسین اکبری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۳

چکیده

روابط فرا زناشویی یکی از آسیب‌های نهاد خانواده است که به شکل اساسی رابطه زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علی‌رغم آنکه نگرش اعضای جامعه به روابط فرا زناشویی و پیامدهای آن منفی است و این عمل به‌عنوان پدیده‌ای غیرقابل توجیه در نظر گرفته می‌شود اما امکان رخ دادن آن طی فرایندی هم برای مردان و هم زنان وجود دارد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف شناسایی فرایند شکل‌گیری روابط فرا زناشویی زوجین انجام گرفته است. روش تحقیق مطالعه حاضر بر اساس رویکرد کیفی و با استفاده از تکنیک مصاحبه روایتی بوده است. نمونه آماری مطالعه ۲۰ نفر از افراد مراجعه‌کننده به دادگاه و دفاتر وکالت شهر مشهد و حجم نمونه بر اساس قاعده اشباع اطلاعاتی تعیین گردید. در تحلیل مصاحبه‌ها ۱۳ مقوله اصلی و ۳۹ مؤلفه استخراج شد. روابط بین مقولات محوری نشان داد که روابط فرا زناشویی طی یک فرایند چهار مرحله‌ای ایجاد می‌شود. این مراحل شامل شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، استراتژی‌ها و شرایط مداخله‌گر است که موجب گرایش به روابط فرا زناشویی و در نهایت برقراری روابط فرا زناشویی شده است. در نهایت مقوله هسته‌ای این پژوهش "تضعیف کدهای شرافتی در جامعه امروز" استخراج شد.

واژه‌های کلیدی: روابط فرا زناشویی، فرایند شکل‌گیری، شرایط ایجادکننده، پیامدها

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، پژوهشگر اجتماعی، مشهد، ایران. zomorodian20@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). h-akbari@um.ac.ir

بیان مسئله

کارکرد خانواده در طول تاریخ دستخوش تغییر فراوان بوده و تغییر شکل و ساختار آن سبب بروز تحول در روابط خانوادگی شده است. در کنار تمایلات جنسی که از نیازهای اولیه ناشی می‌شود، عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی و فرار از تنهایی نیز از جمله عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج می‌شوند (Harris, 2006:48-52). هرچند این سنت از دیرباز در تمامی فرهنگ‌های شناخته‌شده جهان اجرا شده است، اما در عین حال روابط فرا زناشویی نیز همواره همراه انسان بوده است و نرخ وقوع آن بر اساس نمونه‌گیری و تعریف از آن متفاوت است و از میزان تقریبی ۱۲ تا ۷۵ درصد برای افراد متأهل که حداقل یک‌بار با آن مواجه شده‌اند تغییر می‌کند (Allen & Baucom, 2004: 467-488).

از آنجایی که تحقیقات جامعه‌شناسی در این حوزه بسیار محدود بوده و بررسی‌های انجام شده عمدتاً از بعد روانشناختی به این معضل پرداخته‌اند، لذا تحلیل خیانت با رویکرد جامعه‌شناختی نیز ضرورتی غیرقابل‌انکار است. همچنین به دلیل حساسیت بالای این موضوع در جامعه ایران که سنت، مذهب، فرهنگ و باورهای دینی و اخلاقی در آن نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند، تحقیق در این زمینه همواره با محدودیت‌هایی مواجه بوده که به‌ویژه مسئله خیانت زنان متأهل نوعی تابو تلقی شده و بنابراین هرگونه بررسی جامعه‌شناسانه در این مورد را با موانعی جدی مواجه کرده است. بنابراین آسیب‌شناسی خیانت هم در مردان هم در زنان به یک میزان اهمیت پیدا کرده و در صورت نادیده گرفتن آن جامعه با صدمات جبران‌ناپذیری مواجه خواهد شد. به‌طوری‌که روابط فرا زناشویی یکی از مهم‌ترین تهدیدها برای ثبات روابط زناشویی و از عمده‌ترین دلایل طلاق در فرهنگ‌های مختلف محسوب می‌شود (Knight, 2010؛ محسن زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۲-۷).

نتایج پژوهش‌ها

(Bass, 1997 ; Shackelford et al, 2000 ; Hertlin et al, 2005 ; Brand et al, 2007 ; Schickford et al, 2008 ; Schneider et al, 2008 ; Fong et al, 2009 ; Knight, 2010 ؛

صالح صدق پور، ۱۳۷۷: ۳۰-۲۶، کاوه، ۱۳۸۷ و محسن زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۲-۷)، نشان می‌دهد که پدیده خیانت آثار مخربی در پی دارد، بنابراین راه‌های پیشگیری از آن بیشتر از درمان اهمیت می‌یابد. همچنین روابط فرا زناشویی از جمله موضوعاتی است که سبب می‌شود زوج‌ها برای حل تعارضات ناشی از آن به درمانگران و مشاوران کلینیک‌های روانشناسی مراجعه کنند. این مسئله می‌تواند یک تجربه نفس‌گیر و پرتلاطم برای تمام افراد درگیر در این ماجرا باشد (Glass & Wright, 1997: 471-507).

بر این اساس مطالعه حاضر در پی پاسخ به این سؤالات اساسی است که چه شرایط و دلایلی زمینه‌ساز بروز روابط فرا زناشویی در بین زوجین می‌گردد؟ و طی چه فرایندی روابط فرا زناشویی شکل می‌گیرد؟

مبانی نظری

مسئله خیانت و روابط فرا زناشویی به دلیل تعارضات و تلاطمات گوناگونی که در زندگی زوجین ایجاد می‌کند و پیامدها و مشکلاتی که به همراه می‌آورد نیازمند بررسی عمیق همه‌جانبه موضوع و ریشه‌یابی دقیق آن است. به همین دلیل باید از نظریات گوناگونی که بتوان تمام جنبه‌های آن را مورد تحلیل قرار داد استفاده کرد. از دید صاحب‌نظران، خیانت و بی‌وفایی یک امر پیچیده است و درعین حال علل مختلفی می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد. بنابراین نمی‌توان در مورد عوامل بوجود آورنده خیانت نتیجه‌گیری خطی نمود و باید بدانیم که پدیده‌ای مانند خیانت بسیار پیچیده و با موارد مختلفی در ارتباط می‌باشد. در این پژوهش از نظریه عشق سیال باومن، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، نظریه نوگرایی گیدنز و نظریه ارضا نیاز راسبالت استفاده شده است.

تئوری باومن نشان می‌دهد که چگونه در جامعه مدرن، روانشناسی، بازار و ... انسان‌ها را به سوی ایجاد پیوندهای سست سوق می‌دهند که از این پیوندها تحت عنوان

«عشق سیال»^۱ نام می‌برد. به نظر او در عصر حاضر زنان و مردان به شدت نیازمند «ایجاد رابطه» هستند، اما درعین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند و موجب سلب آزادی آنان شود. به همین سبب به سمت عشق‌های سیال روی می‌آورند. عشق سیال به این موضوع اشاره دارد که فرد به جای ترمیم و جایگزینی منافع دگرخواهانه بر منافع فردی به دنبال روابط کوتاهی است که در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نیازهای عاطفی و جسمی وی پاسخ دهد ولی او را از عشق‌های احتمالی و بهتر در آینده محروم نکند. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند اما تنها با خوبی‌های آنها و نه مشکلاتشان. فرد مدرن با احساس فردیت و تنهایی فزاینده به برقراری روابط با دیگران متمایل می‌شود (Bauman, 2003: 44-85).

اما پس از ورود به جریان رابطه درمی‌یابد که نه خود تمایلی برای تعهد و سرمایه‌گذاری دائمی در این رابطه دارد و نه شریک او. به این ترتیب آنچه قرار بود تنهایی او را مرتفع کند و نوعی ثبات و اطمینان روانی به وجود آورد، منشأ اضطراب مضاعف شده است. چنین دیدگاهی است که فرد را وارد روابط متعدد می‌کند؛ نه از آن جهت که شریک معتمد و متعهدی برای باقیمانده زندگی بیابد بلکه به آن خاطر که فرد خود را از خطر وابستگی به یک فرد رها کند. از جهت دیگر او می‌داند دیگرانی نیز هستند که ممکن است از شریک فعلی او شرایط بهتری داشته باشند. بنابراین با وجود قابلیت‌ها و شایستگی شریک فعلی می‌توان به راحتی او را کنار گذاشته و با دیگری رابطه جدید را برقرار کرد. بنابراین شخص به سمت روابطی خارج از چهارچوب ازدواج گرایش پیدا خواهد کرد (Bauman, 2003: 44-85).

بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی چهار عنصر وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد باعث تحکیم پیوند فرد و جامعه می‌شود و هرچه این پیوند قوی‌تر باشد امکان انحراف از انتظارات جامعه کمتر می‌شود (به نقل از شعاع کاظمی و مؤمنی جاوید، ۱۳۹۱: ۱۷۶). وابستگی به خانواده و تأهل می‌تواند منجر به جلوگیری از انحرافات گوناگون از جمله

1. Liquid Love

خیانت زناشویی گردد. زیرا شخص می‌داند که در صورت عدم رعایت تعهد و نادیده گرفتن ارزش‌های خانوادگی ممکن است از جانب خانواده و اطرافیان مطرود شود. تعهد نیز در حفظ موقعیت شخصی و اجتماعی فرد مؤثر است و افراد برای جلوگیری از به خطر افتادن این موقعیت تلاش می‌کنند تا جایگاه مطلوب خود را در جامعه از دست ندهند.

از آنجا که خیانت زناشویی تهدیدی جدی برای تخریب این موقعیت محسوب می‌شود، آشکار شدن آن زندگی فرد را دستخوش مشکلات متعدد خواهد کرد. اتلاف وقت و داشتن اوقات بیکاری زمینه‌ساز بروز مسائلی می‌شود که تأثیری منفی در زندگی شخص خواهد داشت. فرد ممکن است به‌صرف تفریح یا سرگرمی وارد رابطه‌ای شود که از منظر خودش موقتی و کوتاه است اما ممکن است به ارتباطی طولانی‌مدت و عمیق منجر شود.

در تئوری نوگرایی گیدنز، تأکید اصلی بر تحول خانواده در دوره جدید است. شکل خانواده از حالت ابتدایی و سنتی خود خارج شده و خانواده هسته‌ای شکل گرفته است. گسترش صنعت و زندگی شهرنشینی در تغییر سبک زندگی نقش بسزایی داشته و بخصوص در کشورهای جهان سوم این تغییر با سرعت بیشتری انجام شده است (Giddens, 1984: 122).

از میان محورهای هشت‌گانه گیدنز در تحول خانواده، رشد آزادی‌های جنسی عامل مؤثری در پیدایی شکل جدید ارتباط بین افراد بوده که می‌توان خیانت زناشویی را نتیجه به وجود آمدن این شکل از آزادی دانست. همچنین کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی خانواده عامل دیگری در تضعیف بنیان خانواده محسوب می‌شود که از دیگر پیامدهای نوسازی جوامع محسوب می‌شود. به‌طور کلی طی فرآیند نوگرایی، ساختار جوامع متحول شده و نهادهای گوناگون و از جمله نهاد خانواده و کارکردهای آن به‌طور مستقیم تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفته است (صادقی فسایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷).

در نظریه ارضا نیاز در ارتباط، امکان تأمین پنج نیاز شامل: نیاز جنسی، صمیمیت، رفاقت، امنیت و روابط عاطفی فراهم می‌شود (Drigotas & Rusbult, 1992: 62-78). اگر هریک از این نیازها به شکل مطلوبی برآورده نشوند امکان شکل‌گیری روابطی خارج از

ازدواج ایجاد می‌شود. در روابط زناشویی این پنج نیاز به شکل مطلوبی برآورده نمی‌شوند، که این امر منجر به بروز مشکلاتی در روابط زوجین نظیر عدم پایداری به همسر می‌شود. به این معنا که اگر رابطه‌ای نتواند نیاز خاصی را ارضاء کند، احتمالاً فرد جهت برآورده کردن آن مرتکب خیانت می‌شود. (به نقل از شعاع کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۴). بنابراین می‌توان گفت تقویت مهارت‌های ارتباطی، کلامی، عاطفی، جنسی و... می‌تواند در پیشگیری از روابط فرا زناشویی تأثیر بسزایی داشته باشد.

پیشینه تجربی تحقیق

تبادل عاطفی بین زن و شوهر یکی از ویژگی‌های خانواده متعادل و عامل مؤثر در هم‌نوایی و سازگاری زوجین است. بی‌تردید اگر کارکردهای خانواده تضعیف شود، روابط افراد خانواده نیز کاهش یافته و خانواده تحکیم خود را از دست می‌دهد. به گفته گلاسر^۱، زوجها زندگی مشترکشان را با عشق شروع می‌کنند ولی مشاهده می‌کنند که صمیمیت اولیه به تدریج رنگ می‌بازد. با گذشت زمان زندگی برخی زوجین به جدایی می‌کشد اما اکثریت به زندگی مشترک خود به شکل یکنواخت و اجباری ادامه می‌دهند.

گلاس^۲ (۱۹۸۱) سه نوع متفاوت از رابطه خارج از ازدواج را شناسایی کرد. نوع اول درگیری عاطفی بدون مقاربت جنسی؛ نوع دوم داشتن رابطه جنسی بدون درگیری عاطفی؛ نوع سوم ترکیبی از دو نوع قبلی که شامل رابطه جنسی و عاطفی است. نوع سوم، آسیب‌زننده‌ترین حالت به ازدواج است (Campbell, 2009).

در برخی تحقیقات همبستگی منفی معنی‌داری میان رضایت از روابط و خیانت عاطفی و جنسی به دست آمد (shaye, 2010: 7-69). به این معنا که یک رابطه دوسویه منفی میان روابط بد و خیانت زناشویی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رخداد این پدیده را نیازهای برآورده نشده و نقایص موجود در پاسخ‌دهی همدلانه و خستگی عنوان

1. Glasser W
2. Glass

می کنند (Bravo & Lmpkin, 2010: 421-32). همچنین گفته می شود هنگامی که رابطه ای قادر به تأمین و ارضای نیاز نباشد و قابلیت گسترش و رشد و شکوفایی شخصی را نداشته باشد احتمال خیانت و بی وفایی افزایش می یابد (Lewandowski & Ackerman, 2006: 389-403).

به اعتقاد برخی محققان، خصوصیات و ویژگی های شخصیتی افراد نیز، تمایل آنها به تک همسری و تعهد به رابطه را تحت تأثیر قرار می دهد (Buss & Shackelford, 1997: 346-61).

در پژوهشی نیز مشخص شد که بین طول مدت ازدواج با تعهد زناشویی رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که هرچه طول مدت ازدواج بیشتر باشد تعهد زناشویی و رضایت جنسی کاهش می یابد که احتمالاً این مورد می تواند به علت حضور فرزندان، بیشتر شدن تعارضات زناشویی، مشکلات اقتصادی و... باشد (Olson & Olson, 1999: 196-216). برخلاف آن، هرچه طول مدت ازدواج کمتر باشد تعهد و رضایت جنسی بیشتر است (شاه سیاه و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۳۸-۲۳۳).

علاوه بر این پژوهشگران در نمونه ای متشکل از ۵۴۳ نفر از دانشجویان به این نتیجه رسیدند که مردان در مقایسه با زنان بیشتر مرتکب خیانت می شوند (Brand et al., 2007: 101-109) و مهم ترین عامل در گرایش آنها به رابطه نامشروع، انگیزه هیجانانگیزی، نارضایتی از روابط عاطفی و عدم توانایی در حل تعارضات زناشویی است (شیردل، ۱۳۸۵: ۱۴۷-۱۳۳). کمبودهای جنسی و عاطفی یا نداشتن جذابیت جنسی در همسران نیز از علل خیانت محسوب می شود (Stets & Hammons, 2002: 3-25).

پیتمن^۱ (۱۹۸۲) نیز معتقد است، به طور کلی تعریفی که می توان برای خیانت زناشویی بکار برد بر اساس برداشتی است که زوجین از مفهوم پیمان زناشویی دارند. خیانت های جسمانی و هیجانی نه تنها در جنبه هایی که آنها را مشخص می سازند از هم متفاوت هستند، بلکه در اثراتی هم که بر رابطه اصلی می گذارند از هم متمایز می باشند.

1. Pittman

چارچوب مفهومی

روابط فرا زناشویی به عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده، حاصل ترکیب مجموعه‌ای از متغیرهای مؤثر در سطوح مختلف است. این مسئله ماهیتی چندبعدی دارد و در شبکه‌ای از روابط علی با دیگر آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و با پدیده‌های اجتماعی دیگر قرار دارد. بنابراین روابط فرا زناشویی پدیده‌ای چندوجهی و کثیرالابعاد (عبداللهی، ۱۳۸۳) محصول فرایندهای اجتماعی و تحت تأثیر خرده سیستم‌ها و حوزه‌های مختلف جامعه است و شناسایی وضعیت و ارائه سیاست‌ها و راهکارهای کنترل و کاهش آن بدون توجه به این پیچیدگی فاقد کارایی لازم است.

عامل مهمی که درک ما را از روابط فرا زناشویی پیچیده می‌کند، این واقعیت است که این مسئله در انزوا از دیگر شرایط و مشکلات اجتماعی وجود ندارند. اساساً، میزان بالایی از همبستگی بین هر یک از مسائل اجتماعی و نهادهای اجتماعی به صورت متقابل وجود دارد. موفقیت بر غلبه بر هر مسئله اجتماعی به بررسی و تغییر دیگر مسائل نیاز دارد (Parilli, 2008). بر این اساس روابط فرا زناشویی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از فرایندهای تودرتو در نظر گرفت و باید با توجه به زمینه شکل‌گیری آن درک شود (Spruill et al, 2001: 105). توجه به روابط فرا زناشویی نیازمند درک فرایندهای ایجادکننده آن است. زیرا تجربه یک مسئله اجتماعی فرد را به سمت مسائل اجتماعی جدیدی سوق می‌دهد (Andersen, 2008: 491). از این رو جامعه‌شناسان همیشه با پدیده تراکم مسائل اجتماعی^۱ یا مسائل اجتماعی چندگانه^۲ (Kindled, 2002: 67) روبرو هستند.

بنابراین با توجه به اینکه روابط فرا زناشویی، پیچیده و چندبعدی است، درک آن نیازمند شناسایی دلایل، مکانیسم‌ها و زمینه‌های اجتماعی ایجادکننده آن است. طیف گسترده‌ای از موضوعات در رابطه با زندگی معاصر با هم مرتبط و به هم پیوسته‌اند، به گونه‌ای که بحران‌ها و مسائل در سطح اجتماعی که می‌توان از آن با نام بیماری اجتماع

-
1. Accumulation of social problems
 2. Multiple social problems

یاد کرد، طی زنجیره‌هایی به سطح فردی نیز نفوذ می‌کنند و افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جامعه دچار بیماری و بحران است و آدمی نیز در چرخه آسیب‌های اجتماعی گرفتار آمده است (Smith, 2017). بنابراین درک مسئله روابط فرازناشویی نیازمند درکی فرایندی از چگونگی شکل‌گیری این پدیده و شروط مختلف مؤثر بر آن است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه رویکرد کیفی و از نوع رویش نظریه می‌باشد. روش‌های کیفی انواع گوناگونی دارند. یکی از این روش‌ها «رویش نظریه» است که نوعی روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به‌جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین نظریه اقدام کنند (چارماز ۲۰۰۶). این روش در سال ۱۹۵۷ به‌وسیله گلیسر و اشتروس ابداع شده و امروز کاربرد گسترده‌ای در تحقیقات کیفی دانشگاهی و حرفه‌ای یافته است. "رویش نظریه" در طول بررسی اتفاق می‌افتد و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود» (منصوریان، ۱۳۸۵: ۴). در این روش «جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آن‌ها در یک تعامل بسیار نزدیک با یکدیگر می‌باشند» (علی احمدی و نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰۷) تا جایی که «مهم‌ترین عامل در این روش نزدیکی همیشگی با داده‌هاست» (همان: ۳۵۸؛ پیگان و هن‌وود، ۲۰۰۴).

در این مطالعه ما از مصاحبه روایتی و نیمه ساختاریافته برای دستیابی به این اطلاعات استفاده کرده‌ایم. در مصاحبه روایتی از مصاحبه‌شونده خواسته می‌شود موضوع مورد نظر را با ذکر جزئیات و به شیوه‌ای روایت گونه نقل نماید. حجم نمونه نیز با استفاده از روش اشباع اطلاعاتی صورت گرفته است. در این تحقیق نیز نمونه‌گیری بر اساس اصول تحقیق کیفی و با ۲۰ نفر از افراد مراجعه‌کننده به دادگاه و دفاتر وکالت تا دستیابی به اشباع داده‌ها که معیار آن تکراری شدن اطلاعات دریافتی است ادامه یافت. این امر زمانی رخ می‌دهد

که نظریه یا موضوع مورد مطالعه کامل شود و اطلاعات جدیدی مرتبط با موضوع به دست نیاید و مفاهیم کشف شده و ارتباط بین آنها در قالب یک شبکه ترسیم شود. این شبکه مفهومی در مرحله نهایی با عنوانی فراگیر از حوزه دانش نظری پوشش داده می‌شود و به این ترتیب بخشی و یا تمامی رفتار پدیده تئوریزه می‌شود. در این روش سه فرآیند اصلی وجود دارد: کدگذاری آزاد، محوری و گزینشی. متن این مصاحبه‌ها در قالب جداولی به تفکیک و به‌طور خلاصه (کدگذاری باز) بیان شده‌اند و در مرحله بعد (کدگذاری محوری) بین مقوله‌های تولید شده در بخش قبل ارتباط برقرار شده و در نهایت به استخراج یک مقوله هسته (کدگذاری گزینشی) که در این تحقیق، تضعیف کدهای شرافتی در جامعه امروز، است منجر شد. از آنجایی که هدف اصلی مطالعه حاضر شناسایی فرایندهای مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرازناشویی در بین نمونه‌های مورد بررسی بود، علاوه بر کدگذاری، در هر مورد فرایند شکل‌گیری این روابط به‌صورت جداگانه استخراج و در نهایت مدل ترکیبی بر اساس مدل‌های فرایندی اولیه تدوین شد.

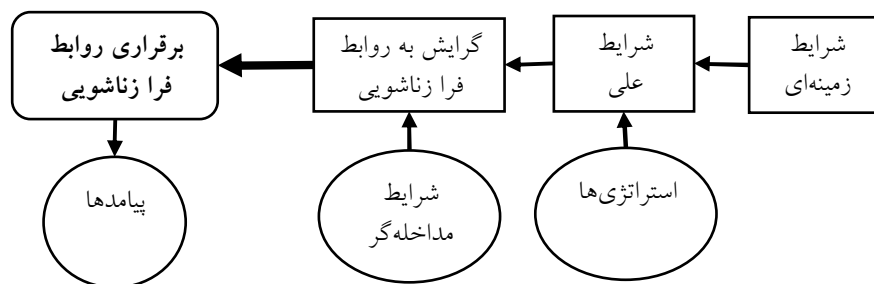
جدول ۱- مشخصات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

شماره مشارکت‌کننده	نام	سن	تحصیلات	شغل
۱	طیبه	۳۲	دیپلم	فروشنده لوازم آرایش
۲	فهیمة	۳۸	دیپلم	کار در طب سنتی
۳	بهار	۲۸	لیسانس	کارمند
۴	ماریا	۳۳	لیسانس	مربی موسیقی
۵	آذر	۳۲	فوق لیسانس	کارمند بیمارستان
۶	مهدی	۳۵	لیسانس	مهندس برق
۷	الهام	۲۶	دیپلم	خانه‌دار
۸	نیما	۳۴	لیسانس	حسابدار
۹	علی	۲۹	فوق لیسانس	آرشیست
۱۰	هادی	۲۸	لیسانس	کارمند

شماره مشارکت کننده	نام	سن	تحصیلات	شغل
۱۱	نگین	۳۲	دیپلم	کارمند
۱۲	امین	۳۶	لیسانس	کارمند
۱۴	گلی	۳۵	لیسانس	خانه دار
۱۵	نادر	۲۷	فوق دیپلم	آزاد
۱۶	مهتاب	۲۲	لیسانس	کارمند
۱۷	عاطفه	۳۴	لیسانس	کارمند
۱۸	آرزو	۳۳	دیپلم	فروشنده
۱۹	راحله	۲۵	لیسانس	کارمند
۲۰	رضا	۳۱	دیپلم	آزاد

یافته های مطالعه

در تحلیل مضمون و تحلیل فرایندی مصاحبه های انجام شده به طور کلی ۱۳ مقوله اصلی و ۳۹ مؤلفه استخراج شد. نتایج نشان داد که روابط فرازنشویی طی یک فرایند چندمرحله ای بروز پیدا می کند و همانند اکثر پدیده های اجتماعی دارای زمانمندی و پس از طی مراحل بروز پیدا می کند. در مطالعه حاضر نیز بررسی فرایند شکل گیری روابط فرازنشویی از طریق تحلیل مصاحبه های روایتی مصاحبه شوندگان نشان داد که روابط فرازنشویی از یک الگوی چهار مرحله ای به شرح زیر تبعیت می کند:



شکل ۱- الگوی چهار مرحله ای شکل گیری روابط فرازنشویی

شرایط زمینه‌ای

بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها سه شرط عدم وجود قدرت تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر، نبود احساس علاقه به همسر پیش از ازدواج و عدم جذابیت‌های فیزیکی و ظاهری مهم‌ترین محرک‌های اولیه در شکل‌گیری این پدیده می‌باشند.

جدول ۲- مقولات عمده و مؤلفه‌های شرایط زمینه‌ای

مؤلفه‌ها	مقولات عمده
ازدواج اجباری- رسوم و سنت‌های خانوادگی- مخالفت والدین با انتخاب فرزند	عدم وجود قدرت تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر
نادیده گرفتن وجود علاقه و دل‌بستگی لازم- اختلاف سنی و طبقاتی زیاد- دل‌بستگی به فرد دیگر	عدم وجود علاقه به همسر پیش از ازدواج
عدم توجه به خصوصیات ظاهری پیش از ازدواج- کناره‌گیری از رابطه جنسی پس از ازدواج	عدم جذابیت فیزیکی و ظاهری همسر

ناتوانی در تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر در کنار سنت‌های خانوادگی و تبعیت بی‌چون‌وچرا از رسوم حاکم بر روابط خویشاوندی در اعمال فشار و ایجاد تصمیمات اساسی زندگی فرد از جمله ازدواج، بسیار مؤثر بوده و در مواردی نیز خواسته‌های نادرست خانواده، بخصوص در مورد انتخاب همسر، فرد را با مشکل جدی مواجه کرده است و منجر به ایجاد نتایج جبران‌ناپذیر مانند انتخاب شخص نامناسب برای ازدواج و به دنبال آن نارضایتی زناشویی و در نهایت شکل‌گیری انواع تعارضات از جمله روابط فرا زناشویی شده است.

"مادرم با هر دو انتخابم برای ازدواج مخالفت کرد و اجازه نداد به سرانجام برسه. منم نمیتونستم جلوش بایستم. در نهایتم نتونستم در مقابل اصرارش برای ازدواج مقاومت کنم و با کسی که طبق معیارای خودش انتخاب کرد بدون هیچ شناخت و علاقه‌ای ازدواج کردم" (رضا ۳۱ ساله). "رسم خانواده ما این بود که فقط از بین

خودشون با یکی ازدواج کنن" (مهدی ۳۵ ساله). "من پسرعموم رو اصلاً دوست نداشتم. هیچ حسی بهش نداشتم. اما چون پولدار بود و فامیل بود با وجودی که بچه هم داشت مجبورم کردن باهاش ازدواج کنم" (فهیمه ۳۸ ساله). مجبور شدم ازدواج کنم. من فقط به خاطر شرایط سخت زندگی پدر و مادرم به اجبار آنها با مردی ازدواج کردم که ۱۴ سال از من بزرگ‌تر بود (راحله، ۲۵ ساله). از روز اول رضایت به این زندگی نداشتم به اصرار پدر و مادرم که می‌گفتن سنت بالا رفته ازدواج کردم (عاطفه، ۳۴ ساله).

عدم وجود احساس اشتیاق و میل به همسر پیش از ازدواج نیز از عوامل اساسی جهت گرایش به روابط فرازناسویی پس از ازدواج محسوب می‌شود و نادیده گرفتن وجود علاقه و دل‌بستگی لازم، طبق این پژوهش از علل اصلی تعارضات و نارضایتی‌های زناسویی قلمداد می‌شود.

"من خانمم رو اصلاً دوست نداشتم. حتی درست قیافشو ندیده بودم تا قبل عقد. فکرم جای دیگه بود. پیش کسی که دوستش داشتم" (هادی ۳۲ ساله). "شوهر اولم رو اصلاً دوست نداشتم. به خانوادم گفتم نمی‌خوامش اما به حرفم گوش ندادن. ازش بدم می‌ومد. به شوهر دوم حس خاصی نداشتم اما بعد ازدواج ازش متنفر شدم" (الهام ۲۶ ساله). "حس خاصی قبل ازدواج به شوهرم نداشتم. همه می‌گفتن پسر خوبیه. خیلی اصرار داشتن به این ازدواج و منم قبول کردم" (آذر ۳۲ ساله).

وجود جذابیت فیزیکی و رضایت از ظاهر همسر نیز از عوامل بسیار تأثیرگذار در امر ازدواج به‌ویژه برای مردان محسوب می‌شود. همان‌طور که استر و هامونز اشاره کرده‌اند، کمبودهای جنسی و عاطفی یا نداشتن جذابیت جنسی در همسران از علل خیانت است. در این بررسی نیز مشخص شد این امر عمدتاً در انتخاب همسر نادیده گرفته شده و پس از ازدواج در کناره‌گیری از رابطه جنسی و فاصله‌گیری از همسر و گرایش به فردی دیگر که دارای ویژگی‌های ظاهری مدنظر فرد بوده مؤثر است:

"همسرم کسی که می‌خواستم نبود. ظاهرشو دوست نداشتم. نه چهره نه اندامش" (نیما ۳۴ ساله). "من از ظاهر خانمم نه چهرش نه اندامش خوشم نمی‌ومد. اصلاً

به چشم نمیومد" (علی ۲۹ ساله). "خانمم از اول اونقدر بنظرم جذاب و خوشگل نبود. قیافش زنانه بود. بعد زایمانشم که دیگه بهم ریخت اندامش. (امین ۳۶ ساله). این ویژگی در مصاحبه شوندگان زن مشاهده نشد. توجه به ویژگی های ظاهری همسر و مقایسه آن با زنان دیگر می تواند دلیلی توجیهی برای گرایش به رابطه فرا زناشویی ایجاد نماید.

"همیشه دخترای خوشگل و خوش اندامو که می بینم حسرت می خورم که چرا خانم من این طوری نیست؟ کاش حداقل سنش پایین تر بود" (امین ۳۶ ساله). این محرک ها پس از ازدواج می تواند منجر به اختلال در روابط زناشویی از جمله اختلال در رابطه عاطفی و سردی روابط جنسی شود که به مرور در ایجاد فشارهای روانی مانند احساس سرخوردگی، تنهایی و نارضایتی های گوناگون مؤثر است.

شرایط علی:

در این بخش ۴ شرط علی و ۱۴ مؤلفه سازنده آنها استخراج شد. مجموعه این شرایط در ایجاد اختلالات رابطه ای (عاطفی و جنسی) پس از ازدواج نقش عمده ای داشته است.

جدول ۳- مقولات عمده و مؤلفه های شرایط علی

مقولات عمده	مؤلفه ها
اختلال در رابطه عاطفی با همسر	علاقه عاطفی یک طرفه همسر - عادی شدن ارتباط - نداشتن مهارت کافی برای بهبود رابطه احساسی
سردی و نارضایتی جنسی	رابطه جنسی نامطلوب - عدم جذابیت جنسی همسر - کناره گیری از همسر - رابطه جنسی خیلی محدود - ناتوانی جنسی
احساس تحقیر و سرخوردگی	بی توجهی و عدم ابراز محبت - مقایسه همسر - تحقیر و توهین
احساس تنهایی	فاصله احساسی زیاد بین زوجین - طلاق عاطفی

در پژوهش حاضر یکی از دلایل خیانت زوجین، سردی و نارضایتی جنسی عنوان شد. زوجی که رضایت جنسی ندارند، به احتمال زیاد تمایل پیدا می‌کنند این رضایت را حداقل در رابطه جنسی خارج از ازدواج جبران کنند (Atkins & Jacobson, 2001: 735-749). وجود عوامل دیگر از جمله روابط عاطفی مطلوب با نظریه ارضا نیاز، دریگوتاس و راسبالت هم‌جهت بود. بر این اساس در یک رابطه مناسب علاوه بر نیاز جنسی چهار نیاز صمیمیت، رفاقت، امنیت و پیوند عاطفی باید تأمین شود که به نظر می‌رسد معمولاً در روابط زناشویی این پنج نیاز به شکل مطلوبی برآورده نمی‌شوند، که این امر منجر به بروز مشکلاتی در روابط زوجین نظیر عدم پایبندی به همسر می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت نارضایتی از روابط زناشویی و لاینحل ماندن آن از عوامل گرایش به روابط فرا زناشویی محسوب می‌شود که با پژوهش شای^۱ در مورد رضایت پایین از این روابط به عنوان بهترین پیش‌بین برای خیانت زناشویی همخوان است. بر این اساس روابط بد موجب افزایش احتمال خیانت می‌شود و خیانت زناشویی موجب تخریب ازدواج و رابطه زناشویی می‌گردد. اختلال رابطه‌ای هم در فراوانی و هم شدت روابط زوجین (چلبی، ۱۳۷۵) بروز یافته و به مرور زمان، رابطه به رابطه‌ای سرد و فاقد بعد اظهاری و عاطفی تبدیل می‌شود:

" رابطه احساسی من اولاً خوب بود اما بعداً از زده شدم و دوست نداشتم برم خونه پیشش. از فراری بودم" (هادی ۲۸ ساله). " رابطه عاطفی من قبل ازدواج بهتر بود. بعدش جوری شد که حتی حرفی برای گفتن نداشتم. هر روز از هم دورتر می‌شدیم تا جایی که فقط دوتا هم خونه بودیم (نادر ۲۷ ساله). شوهرم خیلی دوستم داشت. خیلی بهم محبت می‌کرد. منم دوستش داشتم اما نه اون دوست‌داشتنی که بین زن و شوهر باید باشه. مثل مادر و برادرم دوستش داشتم (بهار ۲۸ ساله). با گذشت زمان رابطه من و همسرم سردتر می‌شد به طوری که همسرم هیچ‌گونه حمایت عاطفی از من نمی‌کرد (عاطفه، ۳۴ ساله). اصلاً قابل تعریف نیست، همسرم نسبت به من خیلی سرد

شده بود و اصلاً به نیازهای عاطفی من توجه نمی‌کرد (آرزو، ۳۳ ساله). همیشه به همسر من می‌گفتم که وقت بیشتری برای همدیگر بگذاریم اما او ارزشی برام قائل نبود و وقتی برام نمیداشت (فهمیه ۳۸ ساله). من همیشه حسرت اینو داشتم همسر من به من محبت کنه (مهتاب، ۲۲ ساله).

این اختلال عاطفی خود را در روابط جنسی نیز بازتولید و به نوعی با فاصله‌گیری و اختلال در روابط جنسی اختلال رابطه‌ای عاطفی نیز تشدید و این فرایند تشدید شونده در نهایت به اختلال در کلیه فعالیت‌های زوجین منتهی گشته است:

"وقتی ازدواج دومم هم مثل ازدواج اولم به مشکل خورد و شوهر دومم هم از لحاظ جنسی و احساسی سرد درومد دوباره به رابطه قبل از ازدواجم برگشتم. شوهرم این قدر سرد بود که اصلاً طرفم نمیومد. انگار نیازی نداشت. من آدم گرمی بودم از لحاظ جنسی و نمیتونستم سردی شوهرم رو تحمل کنم" (فهمیه ۳۸ ساله). "توی دوران عقد تازه فهمیدم همسرم چقدر با اون چیزی که توی فکرم بود متفاوت. هم از لحاظ ظاهر و اندام و هم خصوصیات اخلاقی. رابطه جنسیمون هم خوب نبود اصلاً گرایشی برای رابطه باهاش نداشتیم. خودش هم اعتراضی نمی‌کرد از این وضعیت" (نادر ۲۷ ساله). "از لحاظ جنسی هم جذایب نداشت. اصلاً سرد بود و شایدم ناتوانی جنسی داشت. کشتی هم بهش نداشتیم. رابطمون بیشتر پدر دختری بود" (بهار ۲۸ ساله). همسر من آدم سردی بود و هیچ وقت به نیازهای من اهمیت نمی‌داد. زمان برقراری رابطه زناشویی، فقط به فکر خودش بود و بعد از رابطه پشتم می‌کرد و می‌خواست این رفتار منو خیلی آزار می‌داد (راحله ۲۵ ساله). همسر من از لحاظ ظاهر، زیبایی نداشت و زمان برقراری رابطه جنسی بهداشت فردیش رو رعایت نمی‌کرد و وقتی درخواست رابطه می‌کرد، من به‌اکراه کنارش می‌خوابیدم. از این شرایط خیلی خسته شده بودم چون که هیچ دلخوشی به همسر نداشتیم. (مهتاب، ۲۲ ساله). برای رابطه جنسی خیلی وقتاً شوهرم سرد برخورد می‌کرد انگار هیچی از رابطه عاشقانه نمیدونه (ماریا، ۳۳ ساله). خودم احساس می‌کردم رابطه زناشویی ما کسل کننده شده بود و اسس (مهتاب ۲۲).

با ایجاد اختلال رابطه‌ای، احساس تحقیر و سرخوردگی و احساس تنهایی در افراد ایجاد می‌شود که این احساس فشار روانی در گرایش شخص به سمت فرد دیگر برای پر کردن این خلأ و جبران کمبودهای ناشی از آن نقش داشت:

"گاهی اوقات اونقدر از طرف همسرم به من فشار می‌آمد که با افراد دیگه درد و دل می‌کردم تا بتونم آروم بشم." (عاطفه ۳۴ ساله). وقتی با هم حرف زدیم و از من تعریف می‌کرد دلم لرزید احساس کردم دوستش دارم. (آذر، ۳۲ ساله). "وقتی که بیکار بودم با یکی از همکارام می‌رفتم بیرون چیزی می‌خوردیم، حرف‌هایی رو می‌زدیم که شوهرم اصلاً بهشون گوش نمی‌داد... منم بهش علاقه‌مند شده بودم چون حرفامو با دقت گوش می‌داد (بهار، ۲۸ ساله).

هنگامی که هیچ‌گونه تعامل، گفتگو و احساس نزدیکی بین همسران برقرار نباشد به‌مرور زمان، فاصله احساسی تبدیل به کناره‌گیری جسمی و جنسی و در نهایت قطع ارتباط می‌شود. به‌گونه‌ای که حتی اگر زوجین به شکل فیزیکی در کنار هم حضور داشته باشند، به لحاظ عاطفی دارای فاصله زیادی می‌شوند. برخی از پژوهشگران احساس تنهایی را یک حالت روان‌شناختی ناشی از نارسایی‌های کمی و کیفی در روابط اجتماعی می‌دانند (پیلو و پرلمن^۱، ۱۹۸۲؛ به نقل از رحیم زاده و پور اعتماد، ۱۳۹۰: ۱۲۴). بر اساس نظریه‌هایی مانند (Weiss, 1973: 236) احساس تنهایی یک تجربه منفی شدید است که فرد از یادآوری آن فعالانه اجتناب می‌کند.

"ما فقط زیر یک سقف زندگی می‌کردیم. یک زندگی ماشینی داشتیم. من می‌رفتم سرکار و اون کارای خونه رو انجام می‌داد. احساس تنهایی زیادی می‌کردم" (نادر ۲۷ ساله). "آدم رو توی فضای مجازی دوست ندارم. دوست دارم توی واقعیت کنارم باشن. چون خیلی احساس تنهایی می‌کنم (نگین ۳۲ ساله). "تنهایی و بیکاری خیلی اذیتم می‌کرد. نمی‌تونستم زیاد بیرون برم و خانواده همسرم هم اجازه نمی‌دادن. نمی‌تونستم خودم رو با این شرایط تطبیق بدم. احساس تنهایی می‌کردم" (ماریا ۳۳ ساله). "دوست داشتم از همه مردا انتقام بگیرم. انتقام تحقیرایی که شدم" (فهیمة ۳۸ ساله).

استراتژی‌ها:

شرایط علی هر چند زمینه را برای گرایش افراد به روابط فرا زناشویی آماده می‌کند ولی عواملی دیگری با عنوان استراتژی باعث تقویت این فرایند شده و فرد را مستعد روابط فرا زناشویی می‌کند.

جدول ۴- مقولات عمده و مؤلفه‌های استراتژی‌ها

مقولات عمده	مؤلفه‌ها
تنوع‌طلبی و هیجان خواهی	تمایل و عادت به ایجاد ارتباطات متعدد- احساس لذت از هیجان موجود در روابط چندگانه
یادگیری رفتار انحرافی از دوستان و نزدیکان	تعامل و ارتباط نزدیک با افراد درگیر روابط فرا زناشویی- مشاهده ازدیاد روابط خارج از حیطه زناشویی در بین آشنایان و عادی شدن آن
تلافی خیانت همسر	تسویه حساب کردن با همسر خیانت‌کار- تخلیه احساس خشم و انزجار- بازگرداندن اعتماد به نفس از دست رفته

این استراتژی‌ها مانند تنوع‌طلبی و هیجان خواهی، تأثیرپذیری از دوستان و نزدیکان در اثر مشاهده روابط خارج از ازدواج و تمایل به تجربه آن و در نهایت انگیزه‌ای چون تلافی خیانت همسر نیز به نوبه خود در گرایش به ایجاد رابطه فرا زناشویی نقش دارند. دو عامل هیجان خواهی و تنوع‌طلبی به عنوان دو عامل روانشناختی و شخصیتی مؤثر بر رفتارهای افراد محسوب شده و در مطالعه حاضر اثر فشارهای روانی را تقویت می‌کند حتی در حالتی بازخوردی به تشدید اختلال رابطه‌ای زوجین منجر می‌شود. تمایل و نیاز به ایجاد هیجان در زندگی و احساس لذتی که این امر برای برخی افراد به وجود می‌آورد حتی با وجود هزینه‌ها و تبعاتی که ممکن است با خود به همراه داشته باشد سبب می‌شود خطر و ریسک آشکار شدن آن را پذیرفته و در هر شرایطی به آن تن دهند. تنوع‌طلبی نیز عاملی است که بسته به مجموعه‌ای از شرایط بروز و ظهور پیدا می‌کند.

عادات پیش از ازدواج همچون ارتباطات متعدد عاطفی و جنسی این رفتار را تبدیل به نوعی شیوه زندگی کرده که معمولاً مدت کوتاهی پس از ازدواج دوباره نمود پیدا می کند و عموماً قابل کنترل و ترک نخواهد بود. اقناع و ارضا نشدن از ارتباط با یک شخص و تمایل به برقراری روابط متعدد می تواند دلایل دیگری نیز داشته باشد که در برخی موارد به کمبودهای موجود در یک رابطه و تلاش برای رسیدن به یک ارتباط مطلوب اشاره دارد. تعجب آور نیست که بگوییم تنوع طلبی جنسی بر طول دوره زناشویی تأثیر مخربی دارد و همواره یکی از دلایل اصلی طلاق بوده است (Amato & Previti, 2004: 602-626).

"من اعتراف می کنم آدم تنوع طلبی ام. از لحاظ جنسی هم گرمم. همیشه با زن های زیادی در ارتباط بودم. اما الان به خاطر وجود زن و بچه دست و پام بسته شده" (امین ۳۶ ساله). "از بچگی همیشه مسائل هیجان آور و دوست داشتم. دنبال هیجان بودم. همیشه هم با دوستانم و خانم های فامیل در رقابت بودم و شرط بندی می کردیم سر آشنایی با مردای مختلف. توی ارتباطی هم که برقرار کردم می خواستم همیشه برنده رقابت باشم و اکثراً هم پیروز می شدم. با اینکه شوهرم هیچ ایرادی نداشت اما خودم نمیدونم چرا می رفتم سراغ مردای دیگه" (طیبه ۳۲ ساله).

یادگیری رفتار انحرافی از دوستان و آشنایان بر اساس نظریه پیوند افتراقی ساترلند می تواند از عوامل شکل گیری رفتار انحرافی محسوب شود. بر اساس نتایج مطالعه تأثیر دوستان و آشنایان فرد بر یادگیری الگوی روابط فرازنشویی و در نهایت برقراری روابط فرازنشویی مشخص گردیده است:

" تقریباً همه دوستانم به جز یک نفر، غیر از همسرشون با زن دیگه ام در ارتباطن. خیلی عادی این مسئله بین آشناها و دوروبریام" (امین ۳۶ ساله). "یکی از دوستانم تقریباً شرایط مشابه منو داشت. اونم با شوهرش مشکل داشت و با یه آقای ارتباط برقرار کرده بود. شوهرش فهمید اما چون بهش علاقه داشت بخشیدش. اما دوستم هنوز وقتی میره خونه مادرش با اون آقا تماس می گیره" (بهار ۲۸ ساله). "تقریباً تمام اطرافیانم ارتباط خارج از ازدواج داشتن و برای منم تعریف می کردند (رضا، ۳۱ ساله).

تعامل و ارتباط نزدیک با افرادی که درگیر چنین روابطی هستند و مشاهده افزایش و ازدیاد روابط خارج از حیطه زناشویی بین نزدیکان حتی به شکل ناخودآگاه می‌تواند در عادی شدن، ترویج و تمایل به ایجاد چنین تجربه‌ای مؤثر بوده و در نهایت موجب ورود به آن شود:

رفتارهای سرد همسر باعث شد من بیشترین وقتم را با دخترخاله‌ام بگذرانم و دخترخاله‌ام با اینکه متأهل بود نسبت به زندگی مشترکش پایبند نبود و به همسرش خیانت می‌کرد و در رفت‌وآمدهایی که باهاش داشتم من هم دچار این اشتباه شدم (گلی، ۳۵ ساله).

بنابراین می‌توان گفت نقش عوامل بیرونی بر شکل‌گیری یکسری رفتارها مستقیم و غیرقابل انکار است. یکی دیگر از یافته‌های تحقیق، وارد شدن به یک رابطه فرا زناشویی با هدف مقابل به مثل خیانت همسر است. هدف از تلافی به وسیله خیانت متقابل، تسویه حساب کردن با همسر خیانت کار است.

"وقتی که شوهرم بهم خیانت کرد فکر تلافی کارش به سرم افتاد. برای اولین بار تونستم توی زندگی معنی رابطه جنسی لذت بخش رو بفهمم و از اینکه کارش رو هم تلافی کرده بودم حس خوبی داشتم. ظاهراً شوهرم دیگه رابطه‌ای با کسی نداشت. اما مطمئناً حواسش جمع تر بود. منم به خاطر ضربه‌ای که خورده بودم به این فکر افتاده بودم که کارشو تلافی کنم (آذر ۳۲ ساله)." زمانی که دیدم همچنان همسرم داره به خیانتش ادامه می‌ده منم تصمیم گرفتم کارشو تلافی کنم (راجله ۲۵ ساله). بعد از گذشت مدتی متوجه شدم که همسرم اقدام به برقراری روابط نامشروع به صورت متعدد با اشخاص مختلف نموده است، از این وضعیت بسیار ناراحت شدم، فکرایبی به سرم زد (گلی، ۳۵ ساله).

اما در پس این حالت انتقام‌جویانه این احتمال نیز وجود دارد که انگیزه دیگری در به وجود آمدن این ارتباط دخیل بوده است. به بیان دیگر خیانت همسر به عاملی برای توجیه ورود به رابطه خارج از منزل تبدیل شده درحالی که منشأ اصلی چنین رفتاری در مسائل دیگری نهفته است.

شرایط مداخله گر:

با ایجاد گرایش به روابط فرا زناشویی در افراد، می‌بایست بستر و زمینه برقراری رابطه فرا زناشویی فراهم گردد. به عبارت دیگر در ایجاد گرایش به روابط فرا زناشویی شرایط مداخله گر به عنوان شرط لازم و نه کافی برقراری روابط فرا زناشویی محسوب می‌شود.

جدول ۵- مقولات عمده و مؤلفه‌های شرایط مداخله گر

مقولات عمده	مؤلفه‌ها
عدم وجود اعتماد به نفس و اقتدار مردانه همسر	نیاز به حمایت از جانب مرد- فاصله‌گیری از مردان ضعیف و منفعل- نیاز به دریافت حس امنیت و اطمینان خاطر از سوی همسر
ادامه ارتباط پیش از ازدواج پس از ازدواج	رضایت از رابطه پیش از ازدواج و مقایسه آن با رابطه جدید- نارضایتی از ازدواج- انتخاب اجباری- خاتمه ندادن به رابطه قبل از ازدواج
حضور در محیط‌های بیرون از منزل	مقایسه همسر با همکاران در محیط کار- نزدیکی و درد دل کردن با همکار در مورد مشکلات زناشویی- ارتباط روزمره و ایجاد وابستگی در صورت نارضایتی از همسر

برای برقراری روابط فرا زناشویی ترکیب عاطفی گرایش به رابطه و وجود زمینه مساعد برای رابطه می‌تواند به عنوان شرط کافی برای برقراری رابطه فرا زناشویی محسوب گردد. شرایط مداخله گر بستر وقوع رفتار را فراهم می‌کنند. در مطالعه حاضر عدم وجود اقتدار مردانه در همسر و نبود تحکم و اعتماد به نفس از نکاتی بود که در گرایش به ویژه زن‌ها، به سمت شخص سوم نقش داشت. یافته‌های مطالعه نشان داد که زن به واسطه جنسیت خود حتی با وجود استقلال نسبی نیازمند تکیه کردن و حضور مردی است که حس امنیت و اطمینان خاطر را در کنار او به دست آورد و به همین دلیل در صورتی که همسرش قادر نباشد این نیاز را در او تأمین کند و در برخورد با مسائل ضعیف و ناتوان عمل کند محتمل است که زن اقدام به رفع این نیاز در محیطی دیگر و شخصی دیگر کند و در صورت فراهم

بودن سایر شرایط، اگر مردی را با خصوصیات موردنظر خود بیابد شروع به مقایسه او با همسر خود خواهد کرد و در نهایت تمایل به برقراری ارتباط پیدا می‌کند:

"شوهرم اقتدار مردونه و جذبه نداشت. اعتماد به نفسش پایین بود. خیلی ضعیف بود و همین مسائل باعث می‌شد ازش دورشم" (ماریا ۳۳ ساله). "شوهرم کلاً مرد ضعیفی بود و قدرت نداشت. از یه طرف دیگه ام خیلی خسیس بود. همیشه وامیستاد کنار که من پول هر چیزو حساب کنم. بی مسئولیت بود. خیلی ام به خانوادش وابسته بود و بودن با اونارو به من ترجیح می‌داد. همیشه توی جمعشون تنها بودم" (بهار ۲۸ ساله). "شوهرم مرد ضعیف و بی‌عرضه‌ای بود. نه کاری بلد بود نه پولی داشت. حتی وقتی با پول خودمم براش کار درست کردم هم نتونست از پشش بر بیاد" (عاطفه ۳۴ ساله).

وجود روابط پیش از ازدواج و اشتغال و فعالیت‌های خارج از خانه نیز زمینه بروز روابط فرزندناشویی را در افراد ایجاد کرده است. یکی از عوامل مستخرج از مصاحبه‌ها ادامه ارتباط پیش از ازدواج و عدم خاتمه آن است. در تحقیق حاضر می‌توان گفت هنگامی که فرد در رابطه‌ای قرار دارد و بدون اتمام آن، تن به ازدواج با شخص دیگری می‌دهد که عموماً علاقه و میلی به او در خود احساس نمی‌کند، زمینه روی آوردن مجدد به رابطه قبلی اجتناب‌ناپذیر است. علاوه بر این، رضایت از رابطه پیش از ازدواج و مقایسه آن با رابطه جدید می‌تواند موجب احساس نارضایتی و کناره‌گیری از همسر و در نتیجه ایجاد رابطه فرزندناشویی شود:

"کسی توی زندگیم بود که از همه لحاظ ازش راضی بودم و نیازی به دختر دیگه نداشتم. اما ناچار شدم و چون به اجبار با کسی که نمی‌خواستم ازدواج کردم رابطه قبل رو تموم نکردم و بعد ازدوادم هم ادامه پیدا کرد" (رضا ۳۱ ساله). "بعد از طلاقم با یکی از مشتری هام آشنا شدم و حدود ۵ سالی رابطه داشتیم. اما چون مجرد بود و سنش از کمتر بود خانوادش اجازه ندادن ازدواج کنیم. به خاطر همین به پیشنهاد خالم تصمیم گرفتم ازدواج کنم. اما این بارم ازدواج خوبی نکردم و به خاطر مشکلاتی که داشتم دوباره رابطه قبل ازدوادمو شروع کردم" (فهیمه ۳۸ ساله). "وقتی ازدواج کردم فکر نمی‌کردم به این زودی بخوام به زخم خیانت کنم. ناخواسته بود. به خاطر نوع

ازدواجم که خودم نقش زیادی توی تصمیم‌نداشتم و نیازهام تأمین نمی‌شد ارتباط قبل ازدواج رو قطع نکردم" (مهدی ۳۵ ساله).

از سوی دیگر مطالعه نشان داد فعالیت‌های خارج از خانه زن و یا حضور در محیط‌های اجتماعی بیرون از منزل به دلیل ایجاد تعامل‌های گسترده بین افراد، در صورت وجود تعارضات و نارضایتی‌های زناشویی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط فرزندناشویی شود. مقایسه همسر با همکاران در محیط کار و یافتن جذابیت‌های موردنظر در دیگری، نزدیکی و درد دل کردن با همکار در مورد مشکلات زناشویی، نیاز به تحسین و مورد علاقه واقع شدن و رفع کمبودهایی که در رابطه با همسر در زندگی وجود دارد از جمله نیاز عاطفی و جنسی و... و امکان ملاقات و تعاملات خارج از محدوده روابط خانواده می‌تواند زمینه روابط فرزندناشویی را فراهم نماید.

"اولین تجربه ارتباط خارج از ازدواجم توی محیط کارم بود. با چند تا آقا شماره ردوبدل کردیم و صحبت می‌کردیم... بعضی وقتا هم بیرون می‌رفتیم (طیبه ۳۲ ساله).
"من اکثراً توی محل کارم با پسرا آشنا می‌شدم. مشتری‌م بودن بیشترشون" (ملیحه ۲۶ ساله).
"اولین بار با یکی از همکارام که متأهل بود صحبت کردیم و یکی دو بار هم بیرون از محیط کار همدیگرو دیدیم. برعکس شوهرم خیلی دست‌ودلباز بود... بعد از اون یک بار با یکی دیگه از همکارام در مورد خودمون صحبت می‌کردیم. ازم پرسید متأهلم یا مجرد؟ خودش مجرد بود. بین صحبت‌م متوجه شد که از شوهرم راضی نیستم و همین مسئله کم‌کم باعث شروع ارتباطمون شد" (بهار ۲۸ ساله).
"صاحبکارم خانم متأهلی بود که قیدوبندی توی رفتار و ظاهر و ارتباطش با مردها نداشت و از منم می‌خواست همین‌طوری باشم. منم کم‌کم تحت تأثیر قرار گرفتم و خیلی راحت شدم توی رابطم با مردا" (طیبه ۳۲ ساله).
"بعد از اینکه همسرم معازنه رو برای من افتتاح کرد مشغول بکار شدم. همه چیز آروم بود تا اینکه یکی از مشتری‌ام شروع به ابراز علاقه به من کرد و توجهم بهش جلب شد" (آرزو ۳۳ ساله).
"کم‌کم از شوهرم دور شدم... به همکاران نزدیک تا حدی که آگه همکارمو یک روز نمی‌دیدم بشدت دل‌تنگ می‌شدم (بهار، ۲۸ ساله). با صاحب‌کارم رابطه برقرار کردم اونم دلخوشی از زنش نداشت (نگین، ۳۲ ساله).

بنابراین علی‌رغم اهمیت شرایط زمینه‌ای نه فعالیت‌های خارج از خانه و نه گرایش به روابط فرا زناشویی به تنهایی قادر به ایجاد روابط فرا زناشویی نیستند بلکه باید با یکدیگر و به صورت ترکیبی دیده شوند.

گرایش و برقراری روابط فرا زناشویی:

آن چنانکه تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته نشان داد با افزایش فشارهای روانی ناشی از اختلال رابطه‌ای زوجین و به وجود آمدن محرک‌های تشدیدکننده گرایش افراد به روابط فرا زناشویی شکل گرفته و به مرور این گرایش تشدید می‌شود. این فرایند ممکن است چند ماه تا چند سال طول کشیده و با فراهم شدن شرایط زمینه‌ای، افراد اقدام به برقراری رابطه فرا زناشویی خارج از چارچوب‌های ازدواج می‌کنند.

" باهاش از شرایط زندگی درد دل می‌کردم و رابطمون عمیق‌تر شد روزبه‌روز و برای اولین بار توی زندگی رابطه جنسی لذت بخشی رو تجربه کردم" (آذر ۳۲ ساله).
"مرد پولدار و قدرتمندی بود برعکس شوهرم و همین باعث شد بیشتر جذبش شمو بعد از یه مدت رابطه جنسی برقرار کردیم" (ماریا ۳۳ ساله). "کم کم به هم نزدیک شدیم و من حتی توی کارهای مربوط به جداییش کمکش کردم و وقتی طلاق گرفت رابطمون نزدیک تر شد" (نادر ۲۷ ساله). "همین اواخرم با دختر همسایمون که مطلقه بود و برام خیلی جذاب بود تا یه حدی پیش رفتیم اما اجازه نداد ادامه پیدا کنه و رابطه تموم شد" (امین ۳۶ ساله). "ارتباطمون خیلی زود نزدیک شد و هرروز بهش وابسته‌تر می‌شدم" (بهار، ۲۸ ساله). تظاهر به محبت زیاد می‌کرد و من فریب خوردم و باهاش رابطه برقرار کردم. (عاطفه، ۳۴ ساله). دیگر نتونستم در برابر ابراز احساساتش مقاومت کنم و بالاخره باعث شد که به همسرم خیانت کنم. (آرزو، ۳۳ ساله). همان روز اول که اومد خونمون بعد از چند ساعت صحبت کردن و ابراز احساسات از طرف من، بهم پیشنهاد داد که رابطه جنسی داشته باشیم، منم که تشنه این رابطه بودم مقاومت نکردم و رضایت دادم (طیبه، ۳۲ ساله). زمانی که برقراری رابطه جنسی رو از من درخواست کرد با توجه

به کمبودهای شدیدی که از طرف شوهرم داشتم نتونستم در برابرش مقاومت کنم و برای همین بهش جواب مثبت دادم (مهتاب، ۲۲ ساله).

با برقراری اولین رابطه جنسی فرا زناشویی عواملی موجود در شکل‌گیری این رابطه به‌عنوان عوامل تداوم روابط عمل کرده و این امر تبدیل به یک الگوی رفتاری برای فرد می‌شود.

پیامدها:

در صورتی که روابط فرا زناشویی یکی از زوجین برملا شود، آسیب‌ها و معضلاتی در رابطه بروز پیدا می‌کند که دارای پیامدهای اجتناب‌ناپذیری است. اولین مورد فروپاشی احساسات عاطفی و جنسی است. اگر زوجین قبل از برقراری روابط فرا زناشویی طرف مقابل، ارتباط عاطفی و جنسی مناسبی با یکدیگر داشته باشند، بعد از آگاهی از خیانت همسر خود از لحاظ احساسی دچار بحران شده و ابعاد مختلف ارتباطشان تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. دومین عامل ایجاد حس خشم و انتقام به‌واسطه خیانت همسر است. مطالعه (Olson, 2000: 144-167) نشان داد که بعد از کشف خیانت همسر، افراد هیجانات شدیدی از جمله خشم، عصبانیت و.. را نشان می‌دهند و چنانچه فرد کنترل مناسبی بر این احساسات نداشته باشد ممکن است منجر به شکل‌گیری حس انتقام به اشکال گوناگون در فرد شود:

"چرا شوهرم خیانت کنه من نکنم؟ اصلاً از کارم ناراحت نیستم. حقش بود" (آذر

۳۲ ساله)

بی‌اعتمادی نیز عامل دیگری است که به دنبال خیانت همسر به وجود آمده و حتی بعد از اتمام رابطه فرا زناشویی، شک ناشی از خیانت دوباره می‌تواند عاملی مخرب در بازگشت رابطه زوجین به حالت اولیه محسوب شود.

ایجاد حس خودکم‌بینی در فردی که مورد خیانت واقع شده و احساس حقارت و کمبود ناشی از آن نیز از دیگر مسائلی است که در این موضوع می‌تواند آسیب‌های

مضاعفی را به دنبال داشته باشد. به این دلیل که فرد دلیل خیانت همسر خود را در خود و کاستی‌ها و ضعف‌های خود جستجو می‌کند و همین عامل می‌تواند منجر به بحرانی شدن بیشتر ارتباط شود. و در نهایت خشونت فیزیکی و کلامی بین زوجین بعد از فاش شدن خیانت است که در بعضی موارد شدید و مخاطره‌آمیز خواهد بود و حتی ممکن است منجر به صدمات جانی یا روانی در طرف مقابل شود:

"شوهرم بعد از اینکه فهمید ارتباط جنسی با کسی داشتم خیلی عصبی شده بود و یک شب که بچمون شد او مد طرفم و این قدر گلمو فشار داد که نزدیک بود خفه شم" (طیبه، ۳۲ ساله).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه نشان داد که برقراری روابط فرا زناشویی طی فرایندی چندمرحله‌ای رخ می‌دهد. این مراحل در مدل پارادایمی (مدل ۲) آمده است. همچنان که مدل پارادایمی نشان می‌دهد این پدیده همانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی حاصل فرایندی از ترکیب عوامل مختلف در مراحل زندگی زناشویی ظهور می‌یابد. هرچند تفاوت‌های چندی در روایت‌های صورت گرفته از سوی مصاحبه‌شوندگان وجود داشت ولی به صورت کلی خاصیت فرایندی روابط زناشویی کاملاً نمایان است. بر اساس مدل نهایی مستخرج از تحقیق

(۱) عدم وجود قدرت تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر، نبود احساس علاقه به همسر پیش از ازدواج و عدم جذابیت‌های فیزیکی و ظاهری که شرایط زمینه‌ای به شمار می‌آید، پس از ازدواج می‌تواند منجر به

(۲) اختلال در روابط زناشویی از جمله اختلال در رابطه عاطفی و سردی روابط جنسی شود و به‌مرور در ایجاد

(۳) فشارهای روانی مانند احساس سرخوردگی، تنهایی و نارضایتی‌های گوناگون مؤثر است. در کنار این عوامل

چگونگی شکل‌گیری روابط فرزنشویی زوجین، زمردیان و اکبری | ۲۵۳

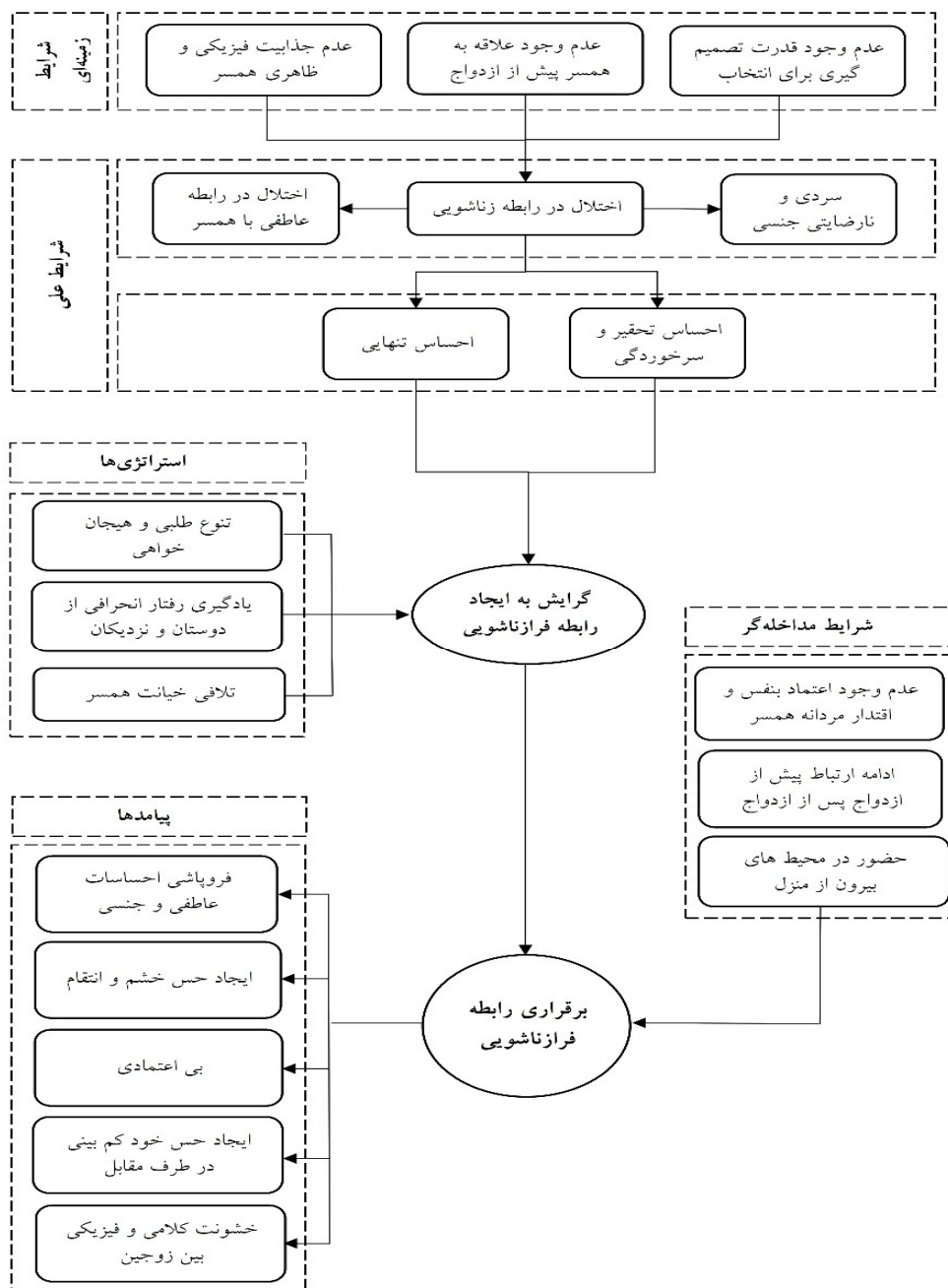
۴) استراتژی‌هایی مانند تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی (که دارای بعد روانشناختی است)، تأثیرپذیری از دوستان و نزدیکان در اثر مشاهده روابط خارج از ازدواج، تمایل به تجربه آن و در نهایت انگیزه‌ای چون تلافی خیانت همسر نیز به‌نوبه خود در

۵) گرایش به ایجاد رابطه فرزنشویی نقش دارند. با ایجاد گرایش به روابط فرزنشویی در صورت وجود

۶) شرایط مداخله‌گر همچون عدم وجود اعتمادبه‌نفس و اقتدار مردانه همسر برای خانم‌ها، ادامه ارتباط پیش از ازدواج پس از ازدواج و حضور در محیط‌های بیرون از منزل (اشتغال زن) احتمال

۷) برقراری روابط فرزنشویی افزایش می‌یابد. در نهایت برقراری روابط فرزنشویی منجر به

۸) پیامدهایی از جمله فروپاشی احساسات عاطفی و جنسی و ایجاد تنش‌های گوناگون، ایجاد حس خشم و انتقام در فرد آسیب‌دیده، بی‌اعتمادی و ایجاد حس خودکم‌بینی در طرف مقابل شده که حتی با وجود بخشش از جانب همسر، تبعات جبران‌ناپذیر آن قابل اغماض نیست.



شکل ۲- مدل ترکیبی فرآیند برقراری رابطه فرا زناشویی

از سوی دیگر با توجه به نتایج یافته‌های انجام شده مشخص شد وجود و عدم ارضای نیازهای جنسی در زن و مرد به یک اندازه منجر به شکل‌گیری روابط فرازناشویی شده است که در تضاد با بررسی‌های صورت گرفته است که در آن نیاز زن به روابط خارج از ازدواج بیشتر از جهت کمبود عاطفی و احساسی و نیاز مرد از بعد جنسی تصور شده است. به طوری که گفته شده در مقایسه با زنان، مردان معمولاً تأکید کمتری بر دل‌بستگی هیجانی به روابط داشته و تمایل دارند که شریکان زیادی داشته باشند (Wright & Reise, 1997: 166-192) و در مقابل زنان بر دل‌بستگی هیجانی ارزش بیشتری قائل‌اند. لازم به ذکر است تحقیق حاضر نشان داد الگوهای خیانت و روابط فرازناشویی در هر دو جنس وجود دارد و تفاوت جنسیتی چندانی از لحاظ گرایش و ایجاد این روابط وجود ندارد که از این جهت با برخی از مطالعات مانند (Brand et al., 2007: 101-109) که در آن مردان در مقایسه با زنان بیشتر مرتکب خیانت می‌شوند متفاوت است.

می‌توان گفت که وجود تعارض و ناخشنودی در زندگی زناشویی مانند نارضایتی جنسی، با توجه به سبک نوین زندگی امروز، تغییر در نگرش‌ها و باورها، کمرنگ شدن تابوها، تأثیرپذیری از الگوهای مشابه و کاسته شدن از فشارهای اجتماعی می‌تواند برای زنان نیز این امکان را به وجود آورد که موازی با مردان به سمت روابط خارج از حیطه زناشویی حرکت کرده و در این رابطه محدودیت عمده‌ای احساس نکنند، که این مسئله با پژوهش استز و هامونز (۲۰۰۲) و شای (۲۰۱۰) که کمبودهای جنسی و عدم جذابیت جنسی را از علل اساسی در ایجاد این روابط بشمار آوردند همسو بود.

به طور کلی بررسی مصاحبه‌های صورت گرفته شکل‌گیری یک مقوله‌گزینی را ایجاد کرد. این مقوله هسته‌ای در این پژوهش "تضعیف کدهای شرافتی در جامعه امروز" استخراج شد. مطابق با نتایج تحقیق در جامعه کنونی کمرنگ شدن سنت‌ها و کاهش فشارهای اجتماعی می‌تواند سبب تضعیف کدهای شرافتی شود، درحالی‌که در گذشته فعال بودن کدهای شرافتی به دلیل فشار زیاد جامعه و سرشکستگی زیاد اجتماعی ناشی از آن بوده است که در حال حاضر این امر در حال تقلیل است.

به طوری که می‌توان گفت خیانت مرد و زن نسبت به گذشته از عواقب کمتری برخوردار بوده و بخصوص خیانت زن متأهل حتی خیانت جنسی، ممکن است از سوی همسر بخشیده شده یا به گذشت از مهریه در قبال رضایت همسر برای عدم شکایت و در نهایت طلاق منجر شود. در این راستا یکی از نکات قابل تأمل مشاهده عکس‌العمل آقایان در برابر خیانت همسرشان در شعب مختلف دادگاه و سهولت بیان و شرح روابط همسر بدون محدودیت یا نگرانی از قضاوت دیگران بوده است. بر این اساس می‌توان گفت تابوهایی که در گذشته در مورد موضوعات حیثیتی و شرافتی در جامعه نقش پررنگ و با اهمیتی داشته به تدریج در حال رنگ باختن است.

در یک جمع‌بندی نهایی در مورد یافته‌های این پژوهش لازم به ذکر است که اگرچه تعداد نمونه‌های قطعی که مورد مصاحبه قرار گرفتند به دلیل حساسیت بالای موضوع، نوع رویکرد انتخابی، محدودیت‌های تحقیق و... گسترده نبود اما در طی مدت زمان طولانی حضور در دادگاه و مراکز حقوقی و مشاوره‌ای و در طی گفتگوهای پی‌درپی با وکلا و اعضای دادگاه و مطالعه پرونده‌های گوناگون و ارتباط با نهادهایی که به نوعی درگیر انواع معضلات خانوادگی و اجتماعی بودند نتایج به دست آمده از این تحقیق دارای جامعه آماری گسترده‌تری نسبت به نمونه‌های تحقیق هستند اما به این دلیل که عده کثیری از این افراد حاضر به مصاحبه حضوری نبودند، امکان ثبت نتایج حاصل از آن به وجود نیامد و نتیجه‌گیری کلی در این مورد اعمال شد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های مطالعه می‌توان به راهکارهایی اشاره کرد که تا حدی می‌تواند به حل تعارضات زناشویی و پیامدهای ناشی از آن کمک کند. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرا زناشویی در این پژوهش به دو دسته مسائل پیش از ازدواج و عوامل پس از ازدواج تقسیم می‌شود. در دسته اول کمک تخصصی مشاوران و مددکاران برای سنجش تناسب موجود بین زوجین و ایجاد مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برای جلوگیری از یک ازدواج

نامتناسب بسیار اهمیت می‌یابد. همچنین تفهیم مسئولیت‌ها و تعهدات ازدواج به زوجین و آگاهی دادن به خانواده‌ها در مورد عواقب یک تصمیم اشتباه نیز می‌تواند سودمند باشد.

وادار کردن و اعمال فشار بر فرزند و تبعیت از رسوم خانوادگی برای ازدواج نیز از رفتارهای غلطی است که باید در مورد نتایج آن به خانواده‌ها هشدار داد. وجود آمادگی لازم جهت ازدواج برای هر دو طرف و وجود میل و کشش به‌طرف مقابل چه جنسی و فیزیکی و چه احساسی و عاطفی نیز عامل بسیار مهمی است که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد. علاوه بر این خاتمه دادن به ارتباط پیش از ازدواج به‌طور کامل و سپس تصمیم برای ازدواج امری بسیار حیاتی تلقی می‌شود و وظایف نهادهای مرتبط با مشاوره‌های پیش از ازدواج آگاه کردن افراد از تأثیر این عوامل بر یک ازدواج موفق است.

توجه به شیوه تعامل بین زوجین نیز در فرایند مشاوره و مددکاری خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هنگامی که همسران روش صحیح ارتباط با یکدیگر را آموزش دیده باشند، می‌توانند در مورد تمام نارضایتی‌های موجود در رابطه با یکدیگر صحبت کرده و تعارضات آن را حل کنند. بنابراین ایجاد زمینه گفتگو بین زوجین از اهمیت زیادی برخوردار است. البته در این بین عدم علاقه بین زوجین به‌عنوان یک مانع محسوب می‌شود. در صورت عدم وجود علاقه، تلاش برای بهبود شرایط رابطه‌ای زوجین با مشکل مواجه خواهد بود.

علاوه بر این از آنجا که گروه دوستان و همالان نقش بسزایی در شکلی‌گیری افکار، نگرش‌ها و رفتارهای ما حتی به شکل غیرمستقیم برجای می‌گذارد بنابراین آگاه ساختن در مورد انتخاب افراد مناسب جهت ارتباط، از طریق فرایندهای مشاوره‌ای و مددکاری می‌تواند تأثیرگذار باشد.

در نهایت اختلال در روابط زناشویی نقش مهمی در گرایش به روابط فرازناسویی دارد. بنابراین بررسی کیفیت و کمیت روابط زناشویی و کمک به بهبود آن می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده عمل نماید. پیشنهاد می‌شود چگونگی روابط زناشویی زوجین توسط مددکاران به‌صورت شفاف بررسی و اختلال‌های احتمالی مرتبط شناسایی شود.

منابع

- اجتهادی، مصطفی و واحدی، گلناز. (۱۳۹۵)، «بررسی جامعه‌شناختی پتانسیل خیانت در روابط فرا زناشویی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال هفدهم، شماره ۴: ۱۳۸-۱۰۵.
- باومن، زیگمونت. (۱۳۹۶)، عشق سیال، در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه: عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس، چاپ پنجم.
- چلیبی، مسعود. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حبیبی عسگرآباد، مجتبی و حاجی حیدری، زهرا. (۱۳۹۴)، «علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده، یک مطالعه کیفی»، خانواده پژوهی، سال یازدهم، شماره ۴۲: ۱۶۵-۱۸۶.
- خداوردی، سن. (۱۳۸۷)، «روش‌شناسی پژوهش کیفی»، مجله جامعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳: ۲۷-۴۴.
- رحیم زاده، سوسن؛ پور اعتماد، حمیدرضا؛ عسگری، علی و حجت، محمدرضا. (۱۳۹۰)، «مبانی مفهومی احساس تنهایی: یک مطالعه کیفی»، فصلنامه روان‌شناسی تحولی، سال هشتم، شماره ۳۰: ۱۲۳-۱۴۱.
- سامی، عباس؛ نظری، علی محمد؛ محسن زاده، فرشاد و طاهری، مهدی. (۱۳۹۳)، «روابط چندگانه سبک‌های دل‌بستگی، ابعاد شخصیت و رضایت زناشویی با پیمان‌شکنی زناشویی»، فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال نهم، شماره ۲۹: ۷۹-۹۴.
- شاه‌سیاه، مرضیه. (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا»، اصول بهداشت روانی، سال یازدهم، شماره ۴۳: ۲۳۳-۲۳۸.
- شرف‌الدین، حسین و صالحی زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۵)، «زمینه‌های روابط فرا زناشویی در ایران؛ مطالعه موردی شهر تهران»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷: ۱۱۷-۱۳۸.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز و مؤمنی جاوید، مهرآور. (۱۳۹۱)، آسیب‌های اجتماعی (نوپدید) با تأکید بر تئوری‌های زیربنایی و راهکارهای مقابله‌ای، تهران، نشر آوای نور، چاپ چهارم.
- شیردل، ملیحه. (۱۳۸۵)، «عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲: ۱۳۳-۱۴۸.

چگونگی شکل‌گیری روابط فرازناشویی زوجین، زمردیان و اکبری | ۲۵۹

- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی اسلامی، زن در فرهنگ و هنر، سال پنجم، شماره ۱: ۶۳-

۸۴

- صادقی، آزاده و بهرامی، هادی. (۱۳۹۵)، «مدل‌سازی عوامل پیش‌بینی کننده خیانت بر اساس کیفیت زندگی زناشویی و سبک‌های شخصیتی»، سومین کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران، دوره سوم: ۷۵۹-۷۶۹.

- صالح صدق پور، بهرام. (۱۳۷۷)، «بررسی عامل‌هایی که منجر به اختلاف خانوادگی و طلاق می‌شوند»، مجله اصلاح و تربیت، سال سی و نهم، شماره ۴: ۲۶-۳۰.

- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۳)، «طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها»، در مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، تهران: نشر آگه.

- کاوه، سعید. (۱۳۸۷)، همسران و بی‌وفایی و خیانت؛ بررسی عوامل مؤثر شناخت ویژگی‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده و پیامدهای ناشی از عارضه بی‌وفایی و خیانت میان همسران، تهران: نشر سخن.

- محسن زاده، فرشاد؛ محمد نظری، علی و عارفی، مختار. (۱۳۹۰)، «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق، مطالعه موردی شهر کرمانشاه»، مطالعات راهبردی زنان، سال چهارم، شماره ۵۳: ۷-۴۲.

- مؤمنی جاوید، مهر آور و نادری نویندگانی، زهرا. (۱۳۹۳)، روابط فرا زناشویی علل، پیامدها، نظریه و درمان، تهران: نشر شباهنگ، چاپ اول.

- Allen, Elizabeth S., and Donald H. Baucom. (2004). Adult attachment and pattern of extra dyadic involvement. *Family Process*, 43(4), 467-488.
- Amato, Paul R., & Previti, Denise. (2004). People's reasons for divorcing: gender, social class, the life course, and adjustment. " *Sage Family Studies Abstracts*, 24(5), 602-626.
- Andersen, M. L. (2008). Inequality. In Parrillo, V. N. (ed). *Encyclopedia of social problems*. Thousand Oaks, California: Sage Publications, Inc.
- Atkins, David C., Jean Yi, Donald H. Baucom, and Christensen, Andrew. (2005). Infidelity in couples seeking marital therapy. " *Journal of Family Psychology*, 19(3), 470-473.

- Atkins, David C., Donald H. Baucom, and Jacobson, Neil S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 735-749.
- Brand, Rebecca J., Markey, Charlotte M., Mills, Ana and Hodges, Sara D. (2007). *Sex differences in self-reported infidelity and its correlates. Sex roles*, 57(1), 101-109.
- Bravo, Irene M., and Lumpkin, Peyton White. (2010). the complex case of marital Infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *American Journal Family Therapy*, 38(5), 421-432.
- Buss, David M., and Shackelford, Todd K. (1997). From vigilance to violence: mate retention tactics in married couples. *Journal of personality and social psychology*, 72(2), 346-361.
- Buss, David M., and Shackelford, Todd K. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. *Journal of research in personality*, 31(2), 193-221.
- Byers, E. Sandra, and Demmons, Stephanie. (1999). Sexual satisfaction and sexual self-disclosure within dating relationships. *Journal of Sex Research*, 36(2), 180-189.
- Campbell, Amanda Marie. (2009). how selected personality factors affect the relationships between marital satisfaction, sexual satisfaction, and infidelity. *A thesis for the degree of Doctor of Philosophy*, Tech University.
- Charmaz, Kathy. (2006). *constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. New York: Sage publications.
- Corbin, Juliet, and Strauss, Anselm. (2008). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. New York: Sage publications.
- Drigotas, Stephen M., and Rusbult, Caryl E. (1992). Should I stay or should I go? A dependence model of breakups. *Journal of personality and social psychology*, 62(1), 62-87.
- Fung, Colman SC, William CW Wong, and Tam, Maria SM. (2009). Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. *Journal of sex & marital therapy*, 35(3), 239-244.
- Giddens, Anthony. (1984). *the constitution of society: Outline of the theory of structuration* (Vol. 349). University of California Press.
- Glass, Shirley P., and Wright, Thomas L. (1997). Reconstructing marriages after the trauma of infidelity. In W. K. Halford & H. J. Markman (Eds.), *Clinical handbook of marriage and couples interventions* (pp. 471-507). John Wiley & Sons Inc.

- Glass, Shirley Politzer. (1981). Sex differences in the relationship between satisfaction with various aspects of marriage and types of extramarital involvements, *A thesis for the degree of Doctor of Philosophy*, The Catholic University of America.
- Glasser, William. (2000). *Counseling with choice theory a new Reality Therapy*; New York: Harper Collins Publisher.
- Gordon, Kristina Coop, Donald H. Baucom, and Snyder, Douglas K. (2005). Treating couples recovering from infidelity: An integrative approach. *Journal of clinical psychology*, 61(11), 1393-1405.
- Harris, Victor W. (2006). Marital quality, context, and interaction: *A comparison of individuals across various income levels*. Utah State University.
- Hertlein, Katherine M., Joseph L. Wetchler, and Piercy, Fred P. (2005). Infidelity: an overview. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4(2/3), 5-16.
- Knight, Elizabeth A. (2010). Gender differences in defining infidelity. *A thesis for the degree of Master*, Humboldt State University.
- Lewandowski, Gary W., and Ackerman, Robert A. (2006). Something's missing: Need fulfillment and self-expansion as predictors of susceptibility to infidelity. *Journal of social psychology*, 146(4), 389-403.
- Liu, Chien. (2000). A theory of marital sexual life. *Journal of Marriage and Family*, 62(2), 363-374.
- Olson, David H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of family therapy*, 22(2), 144-167.
- Olson, David H., Olson, Amy K. (1999). PREPARE/ENRICH Program: Version 2000. In: *Preventive approaches in couples' therapy*. Philadelphia, PA, US: Brunner/Mazel; 196-216.
- Parrillo, Vincent N. (Ed.). (2008). *Encyclopedia of social problems*. New York: Sage publications.
- Peplau, Letitia Anne., Perlman, Daniel. (1982). Perspective on loneliness. In L. Peplau & D. Perlman (Eds.), *Loneliness* (pp. 1-18). New York: John Wiley & Sons.
- Pittman, Frank S. (1989). *Privatelles Infidelity and the betrayal of Intimacy*, New York & London: Norton & Company.
- Sanford, Keith. (2003). *Problem-solving conversations in marriage: Does it matter what topics couples discuss?* *Personal relationships*, 10(1), 97-112.
- Shackelford, Todd K., Avi Besser, and Goetz, Aaron T. (2008). Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individual differences research*, 6(1), 13-25.

- Shaye, Afrouz. (2009). *Infidelity in dating relationships: Do big five personality traits and gender influence infidelity?* Los Angeles: Alliant International University.
- Smith, R. Caldwell. (2017). *Society and social pathology: A framework for progress*. Springer.
- Spruill, Nina., Kenney Con., and Kaplan, Laura. (2001). Community development and systems thinking: Theory and practice. *National Civic Review*, 90(1), 105-116.
- Stets, Jan E., Hammons, Stacy A. (2002). Gender, control, and marital commitment. *Journal of Family Issues*, 23(1), 3-25.
- Treas, Judith., & Giesen, Deirdre. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*, 62(1), 48-60.
- Weiss, Robert S. (1973). *Loneliness: The experience of emotional and social isolation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Wright, Tiffany M., & Reise, Steven P. (1997). Personality and unrestricted sexual behavior: Correlations of sociosexuality in Caucasian and Asian college students. *Journal of research in Personality*, 31(2), 166-192.